

Policy Canvas: A Tool for Convergence Between Policymakers and Policy Researchers

Fatemeh Fathi¹ | Mahdi Abdolhamid²
Zeinab Variji³ | Ali Asghar Pourezzat⁴

- ¹. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Management, Faculty of Financial Sciences, Management and Economics, University of Kashan, Isfahan, Iran.
E-mail: fathi@kashanu.ac.ir.
- ². Assistant Professor, Department of Progress Engineering, Faculty of Management, Economics, and Progress Engineering, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.
E-mail: z.variji@gmail.com.
- ³. University Instructor, Faculty of Skills, Islamic Azad University, Sari, Mazandaran, Iran.
E-mail: mahdi_abdolhamid@iust.ac.ir.
- ⁴. Professor, Faculty of Public Management and Organizational Sciences, School of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: pourezzat@ut.ac.ir.

Abstract:

Objective: The growing complexity of public issues and the multiplicity of actors in the governance arena have highlighted the need for tools that can facilitate communication between policymakers and policy researchers. In this context, the Policy Canvas emerges as a visual and interactive framework that, by simplifying concepts and clarifying the relationships among policy components, provides a basis for shared understanding and convergence.

Research Method: This study employs a qualitative approach using the method of qualitative content analysis to examine the capacities of this tool. Data were

Article type: Research

Cite this article: F. Fathi, M. Abdolhamid, Z. Variji, A. A. Pourezzat (2026). Policy Canvas: A Tool for Convergence Between Policymakers and Policy Researchers. Governance and Development Journal, 6 (2), 5-31. DOI: 10.22111/jipaa.2026.53921.1138.

Received: 20.11.2025

Revised: 05.05.2025

Accepted: 16.06.2026

Published: 22.06.2026



© The Author (s)

Publisher: University of Sistan and Baluchestan

collected through two channels: first, a systematic analysis of articles indexed in the Scopus database; and second, semi-structured interviews with experts and specialists in the field of public policy. The data gathered from these two sources were then organized and analyzed through three stages of open, axial, and selective coding.

Findings and Conclusion: The findings indicate that the Policy Canvas can serve as a common language among actors in this domain and, by creating semantic coherence, enhance the linkage between research and practice. Moreover, using this tool contributes to more data-driven decision-making, as well as greater transparency and rationality in the policy-making process. The integrated results of the study show that the effectiveness of the canvas depends on prerequisites such as institutional capacity, policy literacy, a culture of dialogue, professional ethics, and inter-organizational collaboration. Overall, the Policy Canvas, as an innovative tool, can help bridge the gap between theory and practice and, by supporting collective learning and stakeholder participation, improve the quality of public decision-making and strengthen governance sustainability.

Keywords: Policy Canvas, Policy Mapping, Policy-making, Policy Research, Content Analysis.



دانشگاه تهران، تهران

حکمرانی و توسعه

شماره ۳۴۶۱-۲۷۸۳

Homepage: www.jipaa.ir



مجله برنامه ریزی و توسعه

بوم‌نگاره خط‌مشی؛ ابزار همگرایی خط‌مشی‌گذاران و خط‌مشی‌پژوهان

فاطمه فتحی^۱، مهدی عبدالحمید^۲، زینب وریجی^۳، علی اصغر پورعزت^۴

^۱ نویسنده مسئول، استادیار، گروه مدیریت، دانشکده علوم مالی، مدیریت و کارآفرینی، دانشگاه کاشان، اصفهان، ایران.

رایانامه: fathi@kashanu.ac.ir

^۲ استادیار، گروه مهندسی پیشرفت، دانشکده مدیریت، اقتصاد و مهندسی پیشرفت، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

رایانامه: mahdi_abdolhamid@iust.ac.ir

^۳ مدرس دانشگاه، دانشکده مهارت، دانشگاه آزاد ساری، مازندران، ایران. رایانامه: z.variji@gmail.com

^۴ استاد، دانشکده مدیریت دولتی و علوم سازمانی، دانشکده‌های مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: pourezzat@ut.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

هدف: پیچیدگی فزاینده مسائل عمومی و تکرر بازیگران در عرصه حکمرانی، نیاز به ابزارهایی را برجسته کرده است که بتوانند ارتباط میان خط‌مشی‌گذاران و خط‌مشی‌پژوهان را تسهیل کنند. بر این اساس، هدف این پژوهش بررسی نقش بوم‌نگاره خط‌مشی در ایجاد فهم مشترک و کاهش شکاف میان خط‌مشی‌گذاران و خط‌مشی‌پژوهان است. در همین راستا، این مطالعه به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که بوم‌نگاره خط‌مشی چگونه می‌تواند به بهبود تعامل و همگرایی میان خط‌مشی‌گذاران و خط‌مشی‌پژوهان کمک کند؟

روش پژوهش: پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و به کارگیری روش تحلیل محتوای کیفی، به بررسی ظرفیت‌های این ابزار پرداخته است. داده‌ها از دو مسیر گردآوری شده‌اند: نخست، تحلیل نظام‌مند مقالات نمایه‌شده در پایگاه Scopus؛ دوم، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان و متخصصان حوزه خط‌مشی. در ادامه، داده‌های حاصل از این دو مسیر، در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی سازمان‌دهی و تحلیل شدند. **یافته‌ها و نتیجه‌گیری:** یافته‌ها نشان می‌دهند که بوم‌نگاره خط‌مشی قادر است نقش یک زبان واحد را میان کنشگران این حوزه ایفا کرده و با ایجاد انسجام معنایی، ارتباط میان پژوهش و عمل را بهبود بخشد. همچنین، بهره‌گیری از این ابزار، موجب ارتقای تصمیم‌سازی داده‌محور، شفافیت و عقلانیت در فرایند خط‌مشی‌گذاری می‌شود. نتایج

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۲۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

کلیدواژه‌ها:

بوم‌نگاره خط‌مشی،

نگاشت خط‌مشی،

خط‌مشی‌گذاری،

خط‌مشی‌پژوهی،

تحلیل محتوا.

استناد: فتحی، فاطمه؛ عبدالحمید، مهدی؛ وریجی، زینب؛ پورعزت، علی‌اصغر (۱۴۰۵) "بوم‌نگاره خط‌مشی؛ ابزار همگرایی خط‌مشی‌گذاران و



DOI: 10.22111/JIPAA.2026.53921.1138

خط‌مشی‌پژوهان " حکمرانی و توسعه، (۲) ۳۱-۵.

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان

تلفیقی پژوهش، نشان‌دهنده آن است که اثربخشی بوم‌نگاره به فراهم بودن پیش‌نیازهایی مانند ظرفیت نهادی، سواد خطمشی، فرهنگ گفت‌وگو، اخلاق حرفه‌ای و همکاری میان‌نهادی وابسته است. در مجموع، بوم‌نگاره خطمشی به‌منزله ابزاری نوین می‌تواند شکاف میان نظریه و عمل را کاهش داده و با پشتیبانی از یادگیری جمعی و مشارکت ذی‌نفعان، کیفیت تصمیم‌سازی عمومی و پایداری حکمرانی را ارتقا دهد.

مقدمه

در دنیای پیچیده و پویای حکمرانی، شکاف میان خطمشی‌گذاران و خطمشی‌پژوهان همواره یکی از چالش‌های اساسی در تدوین، اجرا و ارزیابی خطمشی‌های عمومی بوده است. خطمشی‌گذاران، با نگاه اجرایی و مدیریتی، بر کارآمدی و عملیاتی بودن خطمشی‌ها تمرکز دارند، در حالی که خطمشی‌پژوهان، با رویکردی تحلیلی و انتقادی، به بررسی بنیان‌های نظری، پیامدها و کارآمدی خطمشی‌ها می‌پردازند. این تفاوت در نگرش و اهداف، گاه موجب ناهماهنگی میان این دو گروه شده و اجرای خطمشی‌های عمومی را با چالش‌های متعددی مواجه می‌سازد.

بوم‌نگاره خطمشی به‌منزله ابزاری نوآورانه در خطمشی‌گذاری، می‌تواند بستری برای همگرایی میان خطمشی‌گذاران و خطمشی‌پژوهان فراهم کند. این ابزار با ارائه یک چارچوب بصری و منسجم، امکان درک مشترک از مسائل، اهداف و راهکارهای خطمشی را تسهیل کرده و به ارتباط مؤثرتر میان خطمشی‌گذاران و پژوهشگران کمک می‌کند. بوم‌نگاره خطمشی با نمایش روابط میان اجزای مختلف خطمشی، نه تنها به شفافیت و انسجام در خطمشی‌گذاری می‌افزاید، بلکه امکان مشارکت ذی‌نفعان گوناگون را نیز تقویت می‌نماید.

این پژوهش به بررسی نقش بوم‌نگاره خطمشی در کاهش فاصله میان خطمشی‌گذاران و خطمشی‌پژوهان پرداخته و تأثیر آن را بر بهبود هم‌افزایی و تعامل میان این دو گروه تحلیل می‌کند. برای این منظور، از روش تحلیل محتوا استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش می‌توانند به توسعه ابزارهای کارآمدتر در خطمشی‌گذاری عمومی و بهبود تعامل میان حوزه‌های علمی و اجرایی کمک نمایند. مسئله اصلی که این پژوهش در پی حل آن است، نبود یک چارچوب بصری و قابل‌فهم برای تبدیل مفاهیم علمی خطمشی به قالبی قابل‌استفاده برای خطمشی‌گذاران است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که بوم‌نگاره خطمشی می‌تواند این خلأ را برطرف کرده و زمینه را برای تصمیم‌سازی مبتنی بر فهم مشترک، مشارکت مؤثر ذی‌نفعان و کاهش خطاهای مفهومی فراهم آورد.

ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش

خطمشی

خطمشی عمومی مجموعه‌ای از تصمیمات و اقدامات دولت است که برای حل مسائل عمومی یا پاسخ به نیازهای جمعی اتخاذ می‌شود. این تصمیمات می‌توانند شامل قوانین، مقررات، برنامه‌ها، تخصیص منابع یا

حتی عدم اقدام باشند (هاولت^۱ و همکاران، ۱۹۹۵). خطامشی، بیانیه‌ای کلی است که اهداف و آرمان‌های آینده را ترسیم کرده و راهکارهایی برای تحقق آن‌ها ارائه می‌دهد (عثمان^۲، ۲۰۰۲: ۳۸). خطامشی عمومی به مجموعه‌ای هماهنگ از انتخاب‌ها و رفتارهای دولت گفته می‌شود که با هدف رسیدگی به مسائل عمومی یا برآوردن نیازهای جمعی انجام می‌گیرد. این مجموعه می‌تواند شامل اقدام مستقیم، تصمیم به مداخله نکردن، تدوین برنامه‌ها، وضع قوانین یا تخصیص انواع منابع باشد (هاولت و همکاران، ۲۰۲۶). اهمیت خطامشی از آن جهت است که در ذات خود یک تصمیم‌گیری محسوب می‌شود (سوداگر، امیری و امامی، ۱۳۹۷) و به همین دلیل، با زیست جمعی انسان‌ها پیوند خورده و در شکل‌دهی به آینده مشترک و هویت اجتماعی آنان نقشی اساسی ایفا می‌کند. برای فهم بهتر این مفهوم، استعاره‌هایی مانند ابزار، ققنوس و راه به کار گرفته شده است که در میان آن‌ها، استعاره «راه» بیشترین ارتباط را با رویکرد مردمی خطامشی دارد.

از این منظر، خطامشی همچون مسیری به سوی آینده است که نه تنها آینده را می‌سازد، بلکه تصویری از مقصد ارائه کرده و هویت عملکرد دولت و ملت را مشخص می‌کند. به‌ویژه اگر هدف از خطامشی، به‌هم‌رسانی ظرفیت‌های مردمی باشد، لازم است درباره مفاهیم راه، مبدأ و مقصد تأمل بیشتری شود و برداشت‌های جدیدی از نقش راهبر و راهرو ارائه گردد. بررسی تفاوت‌های معنایی این مفاهیم نیز از ضروریات این رویکرد است.

در رویکرد مردمی به خطامشی، محوریت با مردم و راهروان است و هدف، آگاهی‌بخشی و توانمندسازی آن‌هاست. از این رو، پیمودن مسیر بدون خودآگاهی، نتیجه‌ای جز سردرگمی، بیگانگی و انفعال نخواهد داشت. این بی‌ثباتی در پیروی، تأثیر متقابلی بر رهبران و حکمرانان گذاشته و نوعی هم‌افزایی منفی^۳ یا «دالان کوتولگی» ایجاد می‌کند که راهبر و راهرو را به سمت انحطاط سوق می‌دهد. بنابراین، در این دیدگاه، خطامشی ابزاری برای افزایش آگاهی جمعی (هم‌آگاهی) و خودآگاهی مردم است که زمینه‌ساز رشد درونی آنان شده و در نتیجه، توسعه پایدار بیرونی را نیز امکان‌پذیر می‌سازد. تحقق این امر مستلزم ایجاد فضای گفتگو و تعامل میان مردم و همچنین میان رهروان و راهبران است. این تعامل منجر به شکل‌گیری هم‌زبانی و هم‌فکری شده و امکان همراهی آگاهانه میان راهبر و راهرو را فراهم می‌آورد. چنانچه این همراهی بر پایه آگاهی و عدالت باشد، حتی در صورت بروز اشتباهات، تجربه حاصل از آن به رشد و تکامل انسان‌ها کمک کرده و تهدیدها را به فرصت‌هایی برای پیشرفت تبدیل می‌کند.

در چنین زیست‌بومی، هیچ عنصری، حتی خطاهای انسانی، به شرط همراه بودن با خودآگاهی، بیهوده نخواهد ماند، بلکه همچون خاکی غنی، بستری برای رشد فردی و اجتماعی فراهم می‌آورد. بر این اساس،

¹ Howlett

² Osman

³ Negative Synergy

خطامشی نه تنها بازتابی از تجربه زیسته است، بلکه به منزله بستری برای شکل‌دهی به ساخت اجتماعی حال و آینده عمل می‌کند.

پویایی و پیچیدگی فزاینده محیط حکمرانی، اهمیت خطامشی را در تعیین چستی، چگونگی و بایستگی عملکرد دولت دوچندان کرده است (دای، ۲۰۱۱). این پیچیدگی، گاه موجب می‌شود اقدامات دولت از دید عموم پنهان بماند و در نهایت، سردرگمی خطامشی‌گذاران، خطامشی‌پژوهان و ذی‌نفعان را به همراه داشته باشد. یکی دیگر از پیامدهای این پیچیدگی، کاهش چابکی نظام‌های حکمرانی در ارائه خطامشی‌های مناسب به دلیل عدم ارتباط مؤثر با محیط‌های حکمرانی است. این مسئله، ضرورت خطامشی‌گذاری مشارکتی را برجسته کرده و بر اهمیت بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردم و نخبگان برای حل مسائل اجتماعی تأکید می‌کند. در چنین رویکردی، خطامشی‌گذاران همچون کارآفرینان خطامشی عمل می‌کنند و نقش تسهیل‌گر و نوآور را در فراگرد خطامشی‌گذاری بر عهده دارند. در کنار خطامشی‌گذاران که معمولاً محور اصلی ادبیات خطامشی را تشکیل می‌دهند، خطامشی‌پژوهان نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در فراگرد خطامشی‌گذاری دارند. آنان با تولید دانش تحلیلی، ارائه شواهد تجربی، تبیین پیامدهای خطامشی‌ها و توسعه ابزارهای مفهومی، به ارتقای عقلانیت تصمیم‌سازی کمک می‌کنند. خطامشی‌پژوهان همچنین با ترجمه مفاهیم نظری به چارچوب‌های قابل فهم برای مدیران و تسهیل گفت‌وگو میان ذی‌نفعان، در کاهش شکاف میان علم و عمل نقش‌آفرینی می‌کنند. از این رو، بررسی تعامل میان خطامشی‌گذاران و خطامشی‌پژوهان که در این پژوهش از طریق بوم‌نگاره خطامشی تحلیل می‌شود، برای درک بهتر سازوکارهای بهبود کیفیت خطامشی‌ها ضروری است.

بوم‌نگاره خطامشی

بوم‌نگاره‌های گوناگونی از جمله بوم ناب^۱، بوم ایده تجاری^۲، بوم برندسازی شخصی^۳، بوم ارزش پیشنهادی^۴، بوم همدلی با مشتری^۵ و بوم بازاریابی دیجیتال^۶ تنها بخشی از طیف گسترده بوم‌نگاره‌ها هستند که روزبه‌روز در حال گسترش‌اند. گرچه این ابزارها عمدتاً در حوزه کسب‌وکار توسعه یافته‌اند، اما کاربرد بوم‌نگاره‌ها فراتر از دنیای تجارت است. درواقع، بوم‌نگاره ایده‌پردازی را می‌توان در زمینه‌های گوناگونی، از جمله خطامشی‌گذاری عمومی نیز به کار گرفت. بوم‌نگاره خطامشی یک ابزار مفهومی و بصری است که برای نمایش ساختار و اجزای اصلی یک خطامشی و روابط میان آن‌ها به کار می‌رود. این ابزار با سازمان‌دهی عناصر کلیدی خطامشی - مانند مسئله، ذی‌نفعان، اهداف، ابزارها و پیامدها - در قالبی منسجم، امکان درک بهتر مسئله و گفت‌وگوی مشترک میان بازیگران مختلف را فراهم می‌کند. بوم‌نگاره خطامشی

¹ Dye

² Lean Canvas

³ Business Idea Canvas

⁴ Personal Branding Canvas

⁵ Value Proposition Canvas

⁶ Empathy Map

⁷ Digital Marketing Canvas

از نظر منطق طراحی، از خانواده بوم‌نگارهای تحلیلی و طراحی است که ابتدا در حوزه کسب‌وکار توسعه یافته‌اند، اما امروزه در حوزه‌هایی مانند حکمرانی و خطمشی‌گذاری عمومی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند. بسیاری از ابزارهای مدیریتی سنتی، مانند ماتریس سوات^۱، هرچند به صورت صریح در قالب «بوم‌نگاره» نام‌گذاری نشده‌اند، اما از نظر کارکردی با بوم‌نگاره‌ها نسبت و قرابت مفهومی دارند. ماتریس سوات ابزاری تحلیلی برای شناسایی و طبقه‌بندی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها در یک چارچوب چهارخانه است و به تصمیم‌گیرندگان کمک می‌کند تصویر منسجمی از وضعیت درونی و بیرونی سازمان یا خطمشی به دست آورند. در مقابل، بوم‌نگاره‌ها علاوه بر تحلیل، بر طراحی و بازآفرینی ساختار کلی یک ایده، مدل یا خطمشی تمرکز دارند و اجزای مختلف آن (مانند مسئله، ذی‌نفعان، اهداف، ابزارها و پیامدها) را در قالب یک صفحه یکپارچه ترسیم می‌کنند. به این ترتیب، می‌توان گفت ماتریس سوات بیشتر بر «تحلیل وضعیت» تأکید دارد، در حالی که بوم‌نگاره‌ها هم‌زمان نقش ابزار تحلیل، ایده‌پردازی و گفت‌وگو را ایفا می‌کنند؛ همین تفاوت، جایگاه ویژه بوم‌نگاره را در فهم و طراحی خطمشی روشن‌تر می‌سازد (پوگلیا، پارکر، کلاب، دِمیرِل و اوسیکو، ۲۰۲۴: ۱۱).

بوم‌نگاره خطمشی با ایجاد درک مشترک میان خطمشی‌گذاران و خطمشی‌پژوهان، فراگرد هم‌آفرینی در خطمشی‌گذاری را تسهیل کرده و نقشی اساسی در شکل‌گیری زیست‌بوم حکمرانی و تدوین خطمشی‌های مؤثر ایفا می‌کند.

این مفهوم را می‌توان از منظر استعاره‌ای نیز بررسی کرد. بوم‌نگاره خطمشی همانند یک بوم نقاشی است که به خطمشی‌گذاران این امکان را می‌دهد تا تصویری جامع و عملیاتی از خطمشی‌های موردنظر خود ترسیم کنند. این تصویر باید بر پایه ارزش‌های مشترک، واقعیت‌های ملموس و دغدغه‌های اصلی ذی‌نفعان شکل گیرد تا در نهایت به تدوین و اجرای خطمشی‌های کارآمد منجر شود.

یکی از مهم‌ترین کارکردهای بوم‌نگاره خطمشی، ارائه یک منطق واحد در تمامی مراحل خطمشی‌گذاری است. این ابزار از طریق تفکر نگاشتی، زبان مشترکی میان کنشگران عرصه حکمرانی ایجاد کرده و هم‌ذهنی میان آن‌ها را تسهیل می‌کند. همچنین، این نوع تفکر موجب می‌شود که نگاه به خطمشی‌گذاری، از یک فرآیند صرفاً نظری خارج شده و به ابزاری عملیاتی و کارکردی برای تصمیم‌گیری مؤثر تبدیل گردد. در حوزه نوآوری و کارآفرینی، بوم‌های یک صفحه‌ای به عنوان راهکاری برای هدایت ایده‌پردازان و کارآفرینان به کار گرفته می‌شوند تا از بروز سردرگمی و شکست ایده‌ها جلوگیری شود (ترانکوئیللا، کلین و هیکسون^۲ و همکاران، ۲۰۱۶). بوم ایده‌پردازی، چارچوبی نظام‌مند است که مفاهیم کلیدی را در کنار هم قرار داده و ذهن افراد را در راستای یافتن راه‌حل‌های نوآورانه برای مسائل مشخص هدایت می‌کند. هر بوم بر اساس یک نظریه و الگوی مفهومی طراحی می‌شود و هدف آن، ساده‌سازی فرآیند ایده‌پردازی و حل

¹ SWOT Matrix

² Puglia, Parker, Clube, Demirel & Aurisicchio

³ Tranquillo, Kline, & Hixson

مسئله است. البته، نه هر نظریه‌ای را می‌توان در قالب بوم‌نگاره ساخت، بلکه تنها نظریاتی که دارای مؤلفه‌های مشخص و رویکردی مسئله‌محور هستند، قابلیت تبدیل شدن به بوم را دارند. در نتیجه، بوم را می‌توان ابزاری مؤثر برای کاربردپذیر کردن نظریه‌ها و مدیریت نوآوری در محیط‌های واقعی دانست (راث، کُپن، جابست و میل^۱؛ ۲۰۱۰).

نگاشت خطامشی^۲ مفهومی کلیدی در این زمینه است که هدف آن، ترسیم تصویری جامع از ضرورت‌ها، امکانات و قابلیت‌های سیستم خطامشی‌گذاری است. این ابزار با فراهم کردن درکی روشن از وضعیت موجود، به خطامشی‌گذاران و پژوهشگران کمک می‌کند تا خطامشی‌های موجود را ارزیابی کرده و از طریق شناسایی نقاط ضعف و تعیین اولویت‌ها، مسیر توسعه و بهبود خطامشی‌ها را مشخص نمایند (پوگلیا، پارکر، کلاب، دِمیرل و اوسیکو، ۲۰۲۴). توجه به نگاشت خطامشی از آن جهت اهمیت دارد که بسیاری از ابزارهای نوین طراحی و گفت‌وگوی خطامشی - از جمله «بوم‌نگاره خطامشی» - بر پایه همین رویکردهای نگاشت‌محور شکل گرفته‌اند. به بیان دیگر، نگاشت خطامشی با ایجاد تصویر کلان و نظام‌مند از اکوسیستم خطامشی، زمینه تحلیلی لازم برای طراحی بوم‌نگاره‌ها را فراهم می‌کند؛ در حالی که بوم‌نگاره خطامشی ابزاری بصری و تعاملی برای طراحی، تبیین و هم‌آفرینی خطامشی در سطح خرد است. از این رو، نگاشت خطامشی در این پژوهش به‌منزله یکی از بنیان‌های نظری مرتبط با بوم‌نگاره مورد توجه قرار گرفته است. پوگلیا، پارکر، کلاب، دِمیرل و اوسیکو (۲۰۲۴) نگاشت خطامشی را به‌منزله روشی نظام‌مند برای دسته‌بندی و تحلیل خطامشی‌ها معرفی کرده‌اند. این رویکرد به درک بهتر فضای خطامشی و ایجاد ارتباط میان خطامشی‌های مختلف کمک می‌کند. آن‌ها در حوزه اقتصاد خطامشی، شش بعد اساسی برای تحلیل خطامشی‌ها در نظر گرفته‌اند:

یک) محیط خطامشی: دسته‌بندی خطامشی‌ها بر اساس نوع تأثیری که بر محیط اقتصادی می‌گذارند (خطامشی‌های محدودکننده در برابر خطامشی‌های حمایت‌کننده)؛

دو) چرخه عمر منابع: تحلیل خطامشی‌ها در مراحل مختلف چرخه عمر منابع، از استخراج تا بازیافت؛ سه) حلقه چرخه‌ای: تمایز بین خطامشی‌هایی که به حلقه‌های داخلی (مانند استفاده مجدد) و حلقه‌های خارجی (مانند بازیافت) مرتبط هستند؛

چهار) استراتژی چرخه‌ای: طبقه‌بندی خطامشی‌ها بر اساس سه استراتژی اصلی: تنگ کردن، کند کردن و بستن حلقه‌های منابع؛

پنج) عنصر سیستم: تعیین بخش‌های اصلی یک سیستم که تحت تأثیر خطامشی‌ها قرار می‌گیرند، شامل منابع، زیرساخت‌ها، داده‌ها، بازیگران و ارزش‌ها؛

¹ Rauth, Köppen, Jobst & Meinel

² Policy Mapping

³ Policy Canvas

شش) مدل کسب و کار چرخشی: بررسی خطمشی‌ها بر اساس مدل‌های کسب و کار چرخشی، مانند فروش مجدد، اجاره، تعمیر و بازسازی.

این مدل، امکان ترسیم بصری خطمشی‌ها را فراهم کرده و تحلیل‌گران را قادر می‌سازد تا ارتباطات، تأثیرات متقابل و شکاف‌های خطمشی‌گذاری را به‌وضوح مشاهده کنند. این فرآیند، نه تنها از پیچیدگی تحلیل خطمشی‌ها می‌کاهد، بلکه به شفاف‌تر و ساده‌تر شدن فرایند تصمیم‌گیری نیز کمک می‌کند. اشمیلینگ، مارکس، گلیکمن، گامازو و مارکاک^۱ (۲۰۱۹) بوم‌نگاره خطمشی را به‌منزله ابزاری جامع برای تحلیل و درک نیازها و روندهای سازمان‌های دولتی معرفی کرده‌اند. این ابزار با بهره‌گیری از روش‌ها، فناوری‌ها و داده‌های کلان، فرآیند تصمیم‌گیری و خطمشی‌گذاری را بهبود بخشیده و به بازسازی و نوآوری در بخش عمومی کمک می‌کند. بوم‌نگاره خطمشی به‌منزله یک مدل نوآورانه، چهار حوزه کلیدی را در نظر می‌گیرد:

- الف) نیازهای استراتژیک: تحلیل اهداف کلان و چالش‌های استراتژیک سازمان‌های دولتی؛
 - ب) ساختارهای سازمانی: بررسی نحوه تعامل میان نهادهای مختلف در فرآیند خطمشی‌گذاری؛
 - ج) ابعاد فنی و اطلاعاتی: ارزیابی نقش فناوری و داده‌های کلان در تدوین و اجرای خطمشی‌ها؛
 - د) جنبه‌های قانونی: تحلیل الزامات و محدودیت‌های حقوقی در خطمشی‌های عمومی.
- این ابزار، همچنین روندهای فناوری، اجتماعی و اقتصادی را در نظر می‌گیرد تا خطمشی‌گذاران بتوانند با بهره‌گیری از داده‌های دقیق، تصمیمات آگاهانه‌تری اتخاذ کنند.
- امروزه، نهادهای عمومی علاقه فزاینده‌ای به استفاده از هوش مصنوعی در خطمشی‌گذاری نشان داده‌اند و نداشت خطمشی می‌تواند ابزاری کارآمد برای طراحی و ارزیابی این خطمشی‌ها باشد. با این حال، بسیاری از نهادها فاقد ابزارها و چارچوب‌های مناسب برای تدوین مدل‌های کسب و کار اجرایی و ارزیابی ارزش عمومی خطمشی‌های مبتنی بر هوش مصنوعی هستند (فاطیما، دِسوزا، باک و فیل^۲، ۲۰۲۲). این مسئله، نیازمند آگاهی و استفاده از ابزارهای جدید در این حوزه است.
- در مجموع، بوم‌نگاره خطمشی و نگاشت خطمشی، ابزارهایی مؤثر در خطمشی‌گذاری نوین محسوب می‌شوند که به ارتقای شفافیت، کاهش پیچیدگی، بهبود هم‌افزایی میان کنش‌گران و افزایش کارآمدی خطمشی‌ها کمک می‌کنند. این ابزارها، زمینه‌ای برای تدوین خطمشی‌های مشارکتی فراهم کرده و امکان تصمیم‌گیری آگاهانه و مبتنی بر داده را در اختیار خطمشی‌گذاران قرار می‌دهند.

۱. مطالعات داخلی

یکی از پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه خطمشی‌گذاری زیست‌بوم نوآوری و فناوری، به آسیب‌شناسی اجرای خطمشی‌های این حوزه با تأکید بر توسعه سرمایه‌گذاری‌های استانی پرداخته است. هدف این

^۱ Schmelting, Marx, Glikman, Gamazo & Markaki

^۲ Fatima, Desouza, Buck & Fiel

پژوهش‌شناسایی مهم‌ترین موانع اجرای خطامشی‌های زیست‌بوم نوآوری و فناوری و تبیین چالش‌های مؤثر بر توسعه اقتصادی و سرمایه‌گذاری در سطح استان‌ها بوده است. این مطالعه با رویکردی کاربردی و با استفاده از روش کیفی و تکنیک تحلیل موضوعی انجام شده و نمونه‌گیری آن نیز به صورت هدفمند با حداکثر تنوع تا دستیابی به اشباع نظری صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان داده‌اند که موانع اجرای این خطامشی‌ها را می‌توان در چند دسته اصلی شامل ماهیت خطامشی‌گذاری، موانع مشارکتی، ناکارآمدی مجریان، موانع محیطی، ضعف‌های پشتیبانی و پیاده‌سازی، ضعف در ارزیابی و نظارت، و موانع سازمانی طبقه‌بندی کرد. بر اساس نتایج این مطالعه، رفع این موانع و بهبود فراگرد اجرای خطامشی‌های زیست‌بوم نوآوری و فناوری می‌تواند زمینه افزایش اثربخشی برنامه‌ها و در نهایت توسعه اقتصادی و سرمایه‌گذاری استانی را فراهم سازد (نوری و حسینی، ۱۴۰۲: ۸۱).

در یکی از پژوهش‌های انجام شده در حوزه خطامشی‌گذاری صنعتی، به موضوع دومنظوره‌سازی صنایع دفاعی و یکپارچگی صنایع دفاعی و غیردفاعی کشور پرداخته شده است. این مطالعه با توجه به ظرفیت‌های فناوریانه و تولیدی صنایع دفاعی و تأکید برنامه ششم توسعه بر بهره‌گیری از ظرفیت‌های مازاد این بخش در حوزه‌های غیردفاعی، در پی تبیین جهت‌گیری مناسب برای تحقق اثربخش این هدف بوده است. پژوهشگران با این فرض که انتخاب خطامشی یکپارچگی صنایع دفاعی و غیردفاعی می‌تواند راهبردی مؤثر در این زمینه باشد، تلاش کرده‌اند الزامات و اقتضائات اجرایی این رویکرد را شناسایی و چارچوبی عملی برای خطامشی‌گذاران ارائه کنند. این پژوهش با استفاده از مطالعه اسناد و مصاحبه با خبرگان دانشگاهی و صنعتی انجام شده و در نهایت به طراحی یک مدل تحلیلی/فرآیندی به‌منزله راهنمای اجرای خطامشی دومنظوره‌سازی انجامیده است. یافته‌ها نشان می‌دهند جهت‌گیری به سمت یکپارچگی صنایع دفاعی و غیردفاعی متأثر از سه مجموعه عناصر محوری شامل پیشران‌ها، زمینه‌سازها و راهبردها است که در قالب شش بُعد سازمان‌دهنده و ۲۸ مؤلفه پایه قابل تبیین هستند. نتایج این مطالعه بر ضرورت اتخاذ رویکردی جامع، علمی و آینده‌نگر در طراحی و اجرای خطامشی دومنظوره‌سازی تأکید دارد (خوبرو، الوانی، رحمتی و جندقی، ۱۳۹۷: ۴۹).

۲. مطالعات خارجی

با بررسی پژوهش‌های گوناگون در حوزه بوم‌نگاره خطامشی، می‌توان دریافت که این ابزار در حوزه‌های گوناگون حکمرانی مورد استفاده قرار گرفته است که در ادامه به برخی از این پژوهش‌ها پرداخته می‌شود. در پژوهش‌های اخیر، ابزار «بوم‌نگاره خطامشی چرخشی» به‌منزله یک رویکرد نوین و نقشه‌بردار نظام‌مند برای تحلیل و طراحی خطامشی‌های اقتصاد چرخشی معرفی شده است. این بوم‌نگاره، قادر است خطامشی‌های مرتبط با اقتصاد چرخشی را در شش بعد کلیدی شامل محیط خطامشی، چرخه عمر منابع، حلقه اقتصاد چرخشی، راهبردها، اجزای سیستم و مدل‌های کسب‌وکار چرخشی به صورت بصری و جامع

¹ Circular Policy Canvas

ترسیم کند. استفاده از این ابزار در بررسی خطمشی‌های صنعت پوشاک و نساجی اتحادیه اروپا نشان داده که بوم‌نگاره خطمشی چرخشی، امکان شناسایی دقیق شکاف‌ها و نقاط ضعف خطمشی‌های موجود را فراهم می‌آورد. به‌ویژه، بکارگیری این بوم‌نگاره، نشان داده است که خطمشی‌ها در برخی بخش‌های چرخه عمر منابع، تمرکز نامتعادلی دارند و حوزه‌های مهمی مانند جایگزینی اقتصاد خطی، حلقه‌های درونی اقتصاد چرخشی و نقش بازیگران، زیرساخت‌ها و منابع، کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. بنابراین، بوم‌نگاره خطمشی چرخشی، ابزاری کارآمد برای تحلیل ساختاری و تقویت هماهنگی خطمشی‌ها در راستای پیشبرد اقتصاد چرخشی در صنعت پوشاک و نساجی محسوب می‌شود و در مطالعات آینده به‌منزله چارچوبی مهم برای توسعه خطمشی‌های جامع و یکپارچه پیشنهاد شده است (پوگلیا، پارکر، کلاب، دِمپرل و اوسیکو، ۲۰۲۴).

در پژوهش‌های مرتبط با ارتباط بین تغییرات اقلیمی و دین نیز، ابزار «بوم‌نگاره خطمشی اقلیم» به‌منزله یک روش تحلیلی نوین و ساختاریافته برای بررسی نقش ایمان در شکل‌دهی به خطمشی‌ها و برداشت‌های مرتبط با تغییرات اقلیمی مورد استفاده قرار گرفته است. این ابزار، امکان می‌دهد تا نقش ارزش‌های اسلامی در فراگرد تصمیم‌گیری خطمشی‌گذاران و شکل‌گیری خطمشی‌های زیست‌محیطی به صورت جامع و نظام‌مند بررسی شود. مطالعات نشان می‌دهند که از طریق تحلیل با استفاده از بوم‌نگاره خطمشی اقلیم، می‌توان تعاملی مثبت میان ارزش‌های اسلامی و مسئولیت‌های زیست‌محیطی را شناسایی کرد. با وجود تفاوت‌های موجود در نگرش خطمشی‌گذاران کشورهای جنوب و شمال جهان نسبت به عدالت و مسئولیت‌پذیری، استفاده از این بوم‌نگاره کمک می‌کند تا بررسی‌های دقیق‌تری از ادغام ارزش‌های اخلاقی در خطمشی‌های اقلیمی انجام شود. این رویکرد نشان داده است که ارزش‌های اسلامی می‌توانند به طور مؤثری بر ادراکات و عملکرد خطمشی‌گذاران و جامعه در حوزه اقدام اقلیمی تأثیرگذار باشند. بر این اساس، مطالعات توصیه می‌کنند که توسعه و حمایت از خطمشی‌ها و ابتکارات مبتنی بر ارزش‌های دینی از طریق چارچوب بوم‌نگاره خطمشی اقلیم می‌تواند گفتمان نوینی را در حوزه خطمشی اقلیمی شکل دهد و به پیشبرد اهداف توسعه پایدار کمک کند (الجابیوسی، حسن، محامد سنیف، سیور و توک، ۲۰۲۳).

پژوهش‌های انجام شده در چارچوب پروژه بوم‌نگاره خطمشی با داده‌های کلان^۱ که توسط اتحادیه اروپا حمایت شده است، نشان می‌دهند که استفاده مؤثر از داده‌های کلان در خطمشی‌گذاری با چالش‌های متعددی مواجه است. این پروژه با هدف شناسایی و بررسی چالش‌های کلیدی در زمینه خطمشی‌گذاری مبتنی بر داده، تلاش می‌کند چارچوبی جامع برای به‌کارگیری فناوری‌های نوین اطلاعات و ارتباطات در بخش عمومی فراهم کند. در این راستا، نکته‌محوری پروژه بر این است که بخش عمومی با پذیرش رویکردهای نوآورانه، بتواند به بازیگری کلیدی در روند تحول خطمشی‌گذاری تبدیل شود. پژوهش‌های مبتنی بر بوم‌نگاره خطمشی نشان می‌دهند که چالش‌ها در شش محور اصلی قابل دسته‌بندی هستند:

^۱ Climate Policy Canvas

^۲ Al-Jayyousi, Hasan, Mohamed Saniff, Sever & Tok

^۳ Big Policy Canvas

چارچوب حکمرانی عمومی، حریم خصوصی، شفافیت، اعتماد، مدیریت داده‌ها (شامل گردآوری، پاک‌سازی و نمایندگی داده‌ها) و تحلیل داده‌های کلان (شامل خوشه‌بندی، ادغام، مدل‌سازی و مصورسازی داده‌ها). این رویکرد چندبعدی، امکان شناسایی دقیق‌تر کمبودها، موانع و نیازهای میان‌رشته‌ای در کاربرد داده‌های کلان در خطامشی‌گذاری را فراهم می‌کند. بر اساس یافته‌های بوم‌نگاره خطامشی، توجه به این چالش‌ها و عبور از دیدگاه‌های محدود و جزیره‌ای علمی به منظور ایجاد همکاری‌های میان‌رشته‌ای، برای موفقیت خطامشی‌گذاری داده‌محور در محیطی پیچیده و چندلایه حیاتی است (موردو، اشمیلینگ و کنلو، ۲۰۲۰).

در سال‌های اخیر، چارچوب بوم‌نگاره خطامشی به‌منزله ابزاری کلیدی برای تحلیل تغییرات در فرایندهای تدوین هنجارهای بین‌المللی حقوق مالکیت فکری مطرح شده است. این بوم با ترسیم جامع بازیگران و عناصر گوناگون، نشان می‌دهد که چگونه قواعد مشارکت و شفافیت در سازمان‌هایی مانند سازمان تجارت جهانی و سازمان جهانی مالکیت معنوی^۲ تغییر یافته است، به‌ویژه در مذاکرات توافق‌نامه ضد جعل تجاری^۳ که روند تصمیم‌گیری به صورت محدود و خصوصی برگزار شد. بوم‌نگاره خطامشی امکان درک بهتر پیچیدگی‌ها و تداخل عوامل در خطامشی‌گذاری را فراهم کرده و به‌منزله بستری برای شناسایی چالش‌ها و پیش‌بینی روندهای آتی در این حوزه اهمیت دارد (گروایس^۴، ۲۰۱۲: ۳۲۳).

بررسی ادبیات داخلی و خارجی نشان داد که اگرچه در سال‌های اخیر استفاده از ابزارهای بصری مانند بوم‌نگاره‌ها و نیز روش‌هایی همچون نگاشت خطامشی مورد توجه قرار گرفته است، اما اغلب این مطالعات بر کاربردهای موضوع‌محور (مانند اقتصاد چرخشی، خطامشی اقلیم، خطامشی‌های مبتنی بر داده یا حقوق مالکیت فکری) متمرکز بوده‌اند. در ادبیات موجود، نقش بوم‌نگاره خطامشی به‌منزله ابزاری برای همگرایی میان خطامشی‌گذاران و خطامشی‌پژوهان کمتر به‌صورت نظام‌مند بررسی شده است. از سوی دیگر، پژوهش‌ها عمدتاً به تبیین ساختار بوم‌ها پرداخته‌اند و نه کارکرد آن‌ها در کاهش شکاف میان علم و عمل یا بهبود تعاملات میان کنشگران خطامشی. همچنین، در مطالعات داخلی، بوم‌نگاره خطامشی بیشتر در چارچوب‌های خاص (همچون صنعت دفاعی یا زیست‌بوم نوآوری) بررسی شده و ابعاد تعاملی، ارتباطی و نهادی آن برای حکمرانی عمومی کمتر مورد واکاوی قرار گرفته است. بنابراین، شکاف اصلی پژوهش در نبود مطالعه‌ای جامع که بوم‌نگاره خطامشی را به‌منزله ابزار همگرایی میان کنشگران خطامشی‌گذاری تحلیل کند قابل مشاهده است. پژوهش حاضر با تمرکز بر این خلأ، تلاش می‌کند مدلی تبیینی برای نقش بوم‌نگاره خطامشی در ایجاد فهم مشترک، تصمیم‌سازی داده‌محور و ظرفیت‌سازی نهادی ارائه نماید.

¹ Mureddu, Schmeling & Kanellou

² World Intellectual Property Organization (WIPO)

³ Anti-Counterfeiting Trade Agreement (ACTA)

⁴ Gervais

روش‌شناسی

روش‌شناسی این پژوهش بر اساس مدل «پیاز پژوهش» ساندرز، لویس و تورنهییل^۲ (۲۰۱۹) تبیین شده است. از منظر فلسفه پژوهش، این مطالعه در پارادایم تفسیری قرار می‌گیرد؛ زیرا هدف آن فهم عمیق ادراک‌ها، تجربیات و برداشت‌های خبرگان درباره بوم‌نگاره خطامشی و نقش آن در بهبود تعامل میان خطامشی‌گذاران و خطامشی‌پژوهان است. در لایه رویکرد پژوهش، این تحقیق ماهیتی استقرایی دارد؛ بدین معنا که مفاهیم و مضامین نظری از دل داده‌های تجربی استخراج شده و چارچوب تحلیلی بر اساس یافته‌های میدانی شکل گرفته است. از نظر راهبرد پژوهش، مطالعه حاضر یک پژوهش کیفی مبتنی بر مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با خبرگان حوزه خطامشی عمومی و بررسی مقالات مرتبط است. انتخاب روش نیز به صورت تحلیل محتوای کیفی بوده و برای تحلیل داده‌ها از تکنیک تحلیل موضوعی استفاده شده است. افق زمانی پژوهش مقطعی است، زیرا داده‌ها در یک بازه زمانی مشخص گردآوری شده‌اند. در نهایت، در سطح تکنیک‌ها و رویه‌ها، نمونه‌گیری به صورت هدفمند با حداکثر تنوع انجام شده و گردآوری داده‌ها تا دستیابی به اشباع نظری ادامه یافته است. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها پس از پیاده‌سازی، از طریق کدگذاری اولیه، استخراج مضامین پایه و سازمان‌دهنده تحلیل و تفسیر شده‌اند.

مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با دو گروه کلیدی یعنی خطامشی‌گذاران و خطامشی‌پژوهان انجام می‌شوند. این مصاحبه‌ها با هدف شناسایی چالش‌های تعامل میان این دو گروه، ارزیابی نقش بوم‌نگاره در کاهش این چالش‌ها و بررسی تجربیات آن‌ها در استفاده از ابزارهای بصری خطامشی‌گذاری طراحی شده‌اند. ویژگی‌های مصاحبه‌های موردنظر به شرح زیر خواهد بود:

الف) نمونه‌گیری هدفمند: در این پژوهش برای انتخاب مشارکت‌کنندگان از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. جامعه موردنظر شامل خبرگان حوزه خطامشی عمومی بود که در دو گروه اصلی قرار می‌گرفتند:

یک) خطامشی‌گذاران و مدیران اجرایی در نهادهای دولتی و عمومی که در فراگرد طراحی یا اجرای خطامشی‌ها نقش داشته‌اند؛

دو) پژوهشگران و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها که در حوزه مطالعات خطامشی عمومی، حکمرانی یا تحلیل خطامشی دارای سابقه پژوهشی و تخصص علمی هستند.

برای انتخاب خبرگان، معیارهای زیر در نظر گرفته شد:

- داشتن حداقل پنج سال سابقه فعالیت حرفه‌ای یا پژوهشی در حوزه خطامشی‌گذاری عمومی؛
- داشتن تجربه مشارکت در تدوین، تحلیل یا ارزیابی خطامشی‌ها در سطح سازمانی یا ملی؛

¹ Research Onion

² Saunders, Lewis & Thornhill

³ Purposive Sampling

- داشتن آثار علمی، پژوهشی یا اجرایی مرتبط با مطالعات خطامشی؛
- آشنایی با رویکردهای نوین تحلیل و طراحی خطامشی.

فراگرد شناسایی و انتخاب مصاحبه‌شوندگان ابتدا از طریق بررسی سوابق علمی و اجرایی خبرگان حوزه خطامشی و همچنین معرفی خبرگان توسط برخی مشارکت‌کنندگان (نمونه‌گیری گلوله‌برفی) انجام شد. مصاحبه‌ها به‌صورت نیمه‌ساختاریافته انجام گرفت و انتخاب افراد تا زمانی ادامه یافت که داده‌های به‌دست‌آمده به اشباع نظری رسید؛ به این معنا که در مصاحبه‌های پایانی، داده یا مفهوم جدیدی به یافته‌های پژوهش افزوده نمی‌شد. در مجموع ۵ نفر از خبرگان حوزه خطامشی در این پژوهش مورد مصاحبه قرار گرفتند.

ب) ساختار نیمه‌ساختاریافته: طرح پرسش‌های کلی برای هدایت گفتگو، اما با امکان پرسش‌های تکمیلی برای درک بهتر دیدگاه‌ها؛

ج) تحلیل داده‌ها: استفاده از روش کدگذاری باز و محوری برای استخراج الگوهای کلیدی از مصاحبه‌ها. به‌منظور تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، در این پژوهش از تحلیل محتوای کیفی با رویکرد استقرایی استفاده شد. در این روش، هدف، استخراج مفاهیم، مضامین و مقوله‌های اصلی از دل داده‌های متنی و دستیابی به درکی منسجم از دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان است. فراگرد تحلیل در چند مرحله انجام شد. ابتدا تمامی مصاحبه‌ها پس از ضبط، به‌طور کامل پیاده‌سازی و متن آن‌ها چندین بار مطالعه شد تا درک اولیه و جامعی از محتوای داده‌ها حاصل شود. سپس واحدهای معنایی مرتبط با موضوع پژوهش شناسایی و مشخص گردید. در گام بعد، این واحدهای معنایی تلخیص و برای هر یک کدهای اولیه اختصاص داده شد. پس از آن، کدهای مشابه و مرتبط از طریق مقایسه مستمر، در طبقات و زیرطبقات مفهومی دسته‌بندی شدند. در مرحله نهایی نیز، با بررسی ارتباط میان طبقات، مضامین اصلی پژوهش استخراج و سازمان‌دهی شد و چارچوبی منسجم از یافته‌ها شکل گرفت. در این پژوهش، اگرچه در فراگرد کدگذاری از منطق حرکت از مفاهیم اولیه به طبقات کلی‌تر استفاده شده است، اما تحلیل داده‌ها در چارچوب تحلیل محتوای کیفی انجام شده و هدف آن تولید نظریه نبوده است؛ از این‌رو، این پژوهش در زمره مطالعات مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد قرار نمی‌گیرد. به‌طور مشخص، در مرحله نخست، متن مصاحبه‌ها به گزاره‌ها و عبارات معنادار مرتبط با کارکردها، ویژگی‌ها و ظرفیت‌های بوم‌نگاره خطامشی تفکیک شد؛ در مرحله بعد، این گزاره‌ها کدگذاری و کدهای مشابه در دسته‌های مفهومی ادغام شدند؛ و در نهایت، از ترکیب و تفسیر این دسته‌ها، مضامین اصلی پژوهش استخراج شد. این فراگرد، به پژوهشگر امکان داد تا بدون تحمیل چارچوبی از پیش تعیین‌شده، الگوهای معنایی مستتر در داده‌ها را شناسایی و تبیین کند.

برای اطمینان از روایی و پایایی پژوهش، از چندین راهبرد مکمل استفاده شد. در زمینه روایی (اعتبار) محتوایی و سازه‌ای، ابتدا چارچوب کلی سؤالات مصاحبه بر اساس ادبیات نظری و مطالعات پیشین تدوین شد و سپس پیش‌نویس آن در اختیار چند نفر از خبرگان حوزه خطامشی عمومی قرار گرفت و بر اساس

بازخوردهای ایشان اصلاح و نهایی شد. در طول فراگرد گردآوری داده‌ها نیز از تکنیک بازبینی مشارکت‌کنندگان^۱ استفاده شد؛ بدین صورت که خلاصه‌ای از برداشت‌های پژوهشگر از هر مصاحبه، برای مصاحبه‌شونده بازگو و در موارد لازم اصلاح شد تا از تطابق تفسیر پژوهشگر با مقصود مشارکت‌کننده اطمینان حاصل شود. علاوه بر این، در مرحله تحلیل داده‌ها، کدها و مضامین استخراج‌شده با ادبیات نظری مرتبط مقایسه گردید تا هم‌سویی نظری و انسجام مفهومی آن‌ها بررسی شود. برای تقویت پایایی (اعتمادپذیری) نیز، بخشی از مصاحبه‌های پیاده‌سازی‌شده و کدگذاری اولیه، توسط یک پژوهشگر دوم آشنا با روش‌های کیفی بازبینی شد و میزان توافق میان کدگذاران مورد سنجش قرار گرفت. همچنین کلیه مراحل گردآوری و تحلیل داده‌ها به‌صورت مسیر ممیزی^۲ مستند شد تا روند تصمیم‌گیری‌های تحلیلی پژوهشگر شفاف و قابل پیگیری باشد. بهره‌گیری از مثلث‌سازی در منابع داده از طریق مصاحبه با دو گروه متفاوت از خبرگان (خط‌مشی‌گذاران/مدیران و خط‌مشی‌پژوهان/اعضای هیئت علمی) نیز به افزایش اعتمادپذیری و تأییدپذیری یافته‌ها کمک کرده است.

با توجه به حضور متخصصان اندک در این حوزه، در ادامه، به اسناد و منابع معتبر و مرتبط با موضوع پژوهش نیز مراجعه شد و سعی شد با کدگذاری، مفاهیم لازم استخراج شوند. در این مرحله، داده‌ها کدگذاری شده و مضامین کلیدی پیرامون نقش بوم‌نگاره در بهبود ارتباط میان خط‌مشی‌گذاران و پژوهشگران استخراج می‌شوند. مقایسه دیدگاه‌های دو گروه مصاحبه‌شونده (خط‌مشی‌گذاران و پژوهشگران) امکان شناسایی نقاط همگرایی و واگرایی در برداشت‌های آن‌ها از بوم‌نگاره خط‌مشی را فراهم می‌کند.

برای دریافت مقالات معتبر و مرتبط با موضوع پژوهش، از ابزارها و پایگاه‌های معتبر علمی استفاده شده است. این مقالات، جمع‌آوری و مورد تحلیل قرار می‌گیرند. در این راستا، داده‌های علمی از پایگاه معتبر بین‌المللی Scopus استخراج شده‌اند. این پایگاه به دلیل جامعیت و پوشش گسترده مقالات علمی در حوزه‌های گوناگون، به‌عنوان یکی از منابع اصلی داده‌های پژوهش انتخاب شده است. کلیدواژه‌های مرتبط با موضوع پژوهش، به‌صورت جداگانه و ترکیبی، برای جستجو در این پایگاه استفاده شدند.

در ادامه، برای بررسی دقیق‌تر مقالات استخراج شده، از یکی از ابزارهای قدرتمند و معتبر تحلیل داده، یعنی VOSviewer، استفاده شده است. این نرم‌افزار، برای ایجاد و تجزیه و تحلیل شبکه‌های استنادی، هم‌نویسندگی و تحلیل کلمات کلیدی به کار گرفته می‌شود. این ابزار، قابلیت ایجاد نقشه‌های علمی را دارد که به شناسایی گروه‌های گوناگون پژوهشی و روندهای نوظهور در حوزه پژوهش کمک می‌کند.

به‌منظور شناسایی و انتخاب مقالات علمی مرتبط با حوزه بوم‌نگاره خط‌مشی، از داده‌های استنادی و تحلیل کلمات کلیدی به‌منزله ابزاری برای غربالگری و انتخاب منابع مرتبط استفاده شد. در این مرحله، با بهره‌گیری از نرم‌افزار VOSviewer شبکه هم‌استنادی و هم‌وقوعی کلمات کلیدی مقالات بررسی گردید

^۱ Member Checking

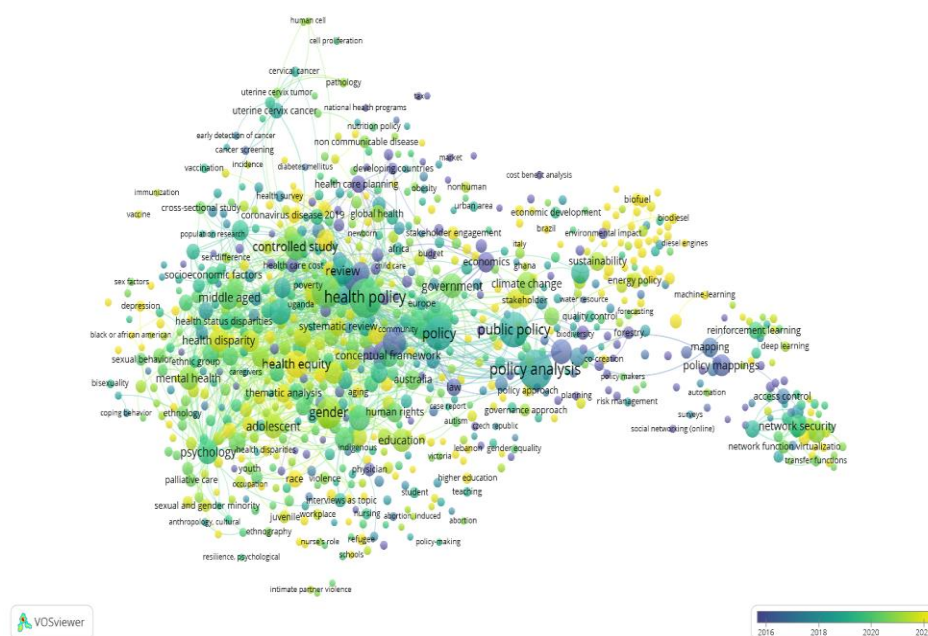
^۲ Audit Trail

تا آثار علمی‌ای که بیشترین ارتباط مفهومی با موضوع پژوهش داشته‌اند، شناسایی شوند. هدف از این تحلیل، کشف روندهای پژوهشی یا خلأهای علمی نبوده، بلکه صرفاً شناسایی مقالات شاخص و مرتبط برای ورود به مرحله تحلیل کیفی بوده است. مقالات منتخب پس از این مرحله، به‌منزله بخشی از داده‌های پژوهش، در کنار مصاحبه‌های انجام‌شده مورد بررسی و تحلیل محتوای کیفی قرار گرفتند. بدین ترتیب، تحلیل استنادی و کلمات کلیدی در این پژوهش نقش ابزاری و تکمیلی در فراگرد انتخاب داده‌ها ایفا کرده و در خدمت پاسخ‌گویی به مسئله اصلی پژوهش بوده‌اند.

جدول ۱ اطلاعاتی شامل کلیدواژه‌ها، آدرس پایگاه داده و سال چاپ مقاله‌ها را نشان می‌دهد. کلیدواژه‌های انتخاب شده، نمایانگر موضوعات اصلی پژوهش هستند که در جستجوهای علمی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. این کلیدواژه‌ها در پایگاه داده Scopus جستجو شده‌اند. همچنین، با توجه به جدید بودن متغیرهای پژوهش، در سال چاپ مقالات، محدودیتی اعمال نشد؛ اما صرفاً مقالاتی که به زبان انگلیسی نگارش شده‌اند و دارای دسترسی به متن کامل بودند، برای بررسی بیشتر انتخاب شدند. از طرفی فقط مقالات چاپ شده در مجلات معتبر علمی مورد بررسی قرار گرفتند.

جدول ۱. پرتکل گردآوری داده‌ها

جستجوی سوم	جستجوی دوم	جستجوی اول	
Scopus			پایگاه داده
("Policy Canvas" OR "Policy Analysis Frameworks" OR "Policy Dialogue Tools")	("Policy Canvas" OR "Public Policy Tools" OR "Policy Mapping")	("Policy Canvas" OR "Policy Design Tools" OR "Policy Co-creation")	کلیدواژه‌ها
عناوین، نویسندگان، کلیدواژه‌ها، چکیده‌ها، منابع مقالات			زمینه‌های جستجو
۲۰۲۵-۱۹۷۹	۲۰۲۵-۱۹۷۱	۲۰۲۵-۲۰۰۴	سال چاپ
۱۲۵۶	۴۰۹	۴۲	تعداد خروجی‌ها



شکل ۱. نمایش هم‌پوشانی واژگان کلیدی در حوزه بوم‌نگاره خط‌مشی

شکل ارائه شده، حاصل تحلیل هم‌واژگانی حدود ۱۶۰۰ مطالعه علمی مرتبط با موضوع پژوهش است که در پایگاه داده Scopus نمایه شده‌اند. در این نقشه، گره‌ها (دایره‌ها) نمایانگر کلیدواژه‌ها و اندازه آنها، نشان‌دهنده فراوانی استفاده از هر کلیدواژه در مقالات است. پیوندها (خطوط بین گره‌ها) نیز بیانگر هم‌رخدادی کلیدواژه‌ها در یک مقاله واحد هستند. از آنجا که نقشه به صورت هم‌پوشانی واژگانی ترسیم شده، رنگ هر گره نشان‌دهنده میانگین سال انتشار مقالاتی است که آن کلیدواژه در آنها به کار رفته است. طیف رنگ از آبی (قدیمی‌تر: سال‌های نزدیک ۲۰۱۶) تا زرد (جدیدتر: حدود ۲۰۲۵) تغییر می‌کند. بنابراین، کلیدواژه‌های آبی و سبز بیشتر در سال‌های گذشته رایج بوده‌اند و کلیدواژه‌های زرد نشان‌دهنده حوزه‌های نوظهور و پررشد در سال‌های اخیر هستند.

در مرکز نقشه، کلیدواژه‌هایی همچون Public Policy, Policy Analysis, Health Equity و Health Policy مشاهده می‌شود. این کلیدواژه‌ها هسته اصلی ادبیات پژوهش را تشکیل می‌دهند و نشان‌دهنده همگرایی بالایی مقالات در این حوزه‌ها هستند.

خوشه‌های جانبی در حوزه‌هایی مانند Network Security, Reinforcement Learning, Energy Policy و Mapping, Sustainability دیده می‌شود که نشان‌دهنده پیوند مطالعات در حوزه خطامشی با حوزه‌های فناوری و محیط‌زیست است.

واژگانی مانند Health Policy, Policy Analysis, Psychology, Health Equity بیشتر با رنگ‌های آبی-سبز دیده می‌شوند، یعنی در سال‌های اولیه (۲۰۱۶-۲۰۱۹) بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

واژگانی مانند Reinforcement Learning, Network Security, Sustainability, Climate Change با رنگ‌های سبز-زرد مشخص‌اند، که بیانگر افزایش توجه به آن‌ها در سال‌های اخیر (۲۰۲۰ به بعد) است.

موضوعاتی نظیر COVID-19 و Coronavirus Disease نیز در بخش سبز دیده می‌شوند که به‌وضوح بازتاب‌دهنده تحولات اخیر جهانی در خطامشی‌گذاری سلامت است.

حوزه پژوهش، از تمرکز اولیه بر خطامشی‌های سلامت و عدالت در سلامت به سمت موضوعات نوظهور همچون امنیت شبکه، یادگیری ماشین، تغییرات اقلیمی و توسعه پایدار حرکت کرده است. این روند نشان می‌دهد که خطامشی‌گذاری و خطامشی‌پژوهی به‌طور فزاینده‌ای با چالش‌های فناورانه و زیست‌محیطی پیوند می‌خورند.

این نقشه نشان می‌دهد که حوزه خطامشی در سال‌های اخیر از مرزهای سنتی سلامت و عدالت اجتماعی فراتر رفته و در تعامل با فناوری‌های نوین و مسائل جهانی همچون تغییر اقلیم و امنیت سایبری قرار گرفته است. بنابراین، می‌توان ادعا کرد که «بوم‌نگاره خطامشی» می‌تواند به‌منزله ابزاری برای همگرایی خطامشی‌گذاران و خطامشی‌پژوهان عمل کند، زیرا امکان شناسایی حوزه‌های نوظهور و موضوعات میان‌رشته‌ای را فراهم می‌سازد.

یافته‌های پژوهش

در ادامه، برای تکمیل داده‌های پژوهش و به‌منظور شناسایی ادبیات موجود پیرامون کارکردها، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های بوم‌نگاره خطامشی، جستجویی در پایگاه Scopus با کلیدواژه policy canvas انجام شد. پس از حذف مقالات تکراری و کنفرانسی، در مجموع ۶ مقاله پژوهشی شناسایی شد. هدف از بررسی این مقالات، پاسخ‌گویی مستقیم به سؤال پژوهش نبود؛ زیرا پرسش اصلی این مطالعه ناظر بر افزایش تعامل میان خطامشی‌گذاران و خطامشی‌پژوهان است و این موضوع در ادبیات موجود کمتر به‌طور صریح مورد توجه قرار گرفته است. با این حال، تحلیل محتوای این مقالات به استخراج کدهای مرتبط با نحوه استفاده، کارکردها، مزایا، محدودیت‌ها و زمینه‌های کاربردی بوم‌نگاره خطامشی کمک کرد و داده‌های تکمیلی ارزشمندی را برای مرحله تحلیل کیفی فراهم آورد. این بررسی، به‌منزله منبع داده ثانویه در کنار

داده‌های اصلی (مصاحبه‌ها)، به درک جامع‌تر از ظرفیت‌های بوم‌نگاره و نقاطی که ممکن است بر تعامل میان خطامشی‌گذاران و خطامشی‌پژوهان اثر بگذارد، کمک نمود. از این رو، تحلیل محتوای این مقالات نقش «پشتیبان» و «تقویت‌کننده» در فراگرد تحلیل داده‌ها داشت، نه اینکه به‌تنهایی مبنای پاسخ‌گویی به مسئله پژوهش قرار گیرد. در این پژوهش، داده‌ها با استفاده از تحلیل محتوای کیفی تحلیل شدند. برای هدایت فراگرد کدگذاری و سازمان‌دهی داده‌ها، از منطق سه‌مرحله‌ای کدگذاری باز، محوری و انتخابی با الهام از اشتراوس و کوربین^۱ (۱۹۹۸) استفاده شد. بدین معنا که ابتدا مفاهیم اولیه از متن استخراج گردید، سپس کدهای هم‌معنا و مرتبط در قالب مقوله‌های میانی سازمان‌دهی شد و در نهایت، مقوله‌های اصلی در سطحی انتزاعی‌تر با یکدیگر یکپارچه شدند. لازم به ذکر است که به‌کارگیری این مراحل در پژوهش حاضر صرفاً در سطح فن کدگذاری بوده و در راستای انتظام‌بخشی به داده‌ها در چارچوب تحلیل محتوای کیفی به کار گرفته شده‌اند. از این رو در جدول ۲، کدگذاری باز مقالات، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

جدول ۲. کدگذاری باز مطالعات پایگاه داده scopus

ردیف	محور مفهومی کلان	نمونه کدهای حاصل از کدگذاری باز	منابع
۱	ابزارها و نوآوری در خطامشی‌گذاری	ابزار ترسیم خطامشی	(پوگلیا، پارکر، کلاب، دمیرل و اوسیکو، ۲۰۲۴)
		بازطراحی ابزار خطامشی	(استالورثی ^۲ ، ۲۰۰۴)
		نوآوری در حکمرانی و خطامشی	(گروایس، ۲۰۱۲)
۲	شواهد، داده و عقلانیت در تصمیم‌سازی	داده‌محوری در خطامشی	(موردو، اشمیلینگ و کنلو، ۲۰۲۰)
		شواهد تجربی	(گروایس، ۲۰۱۲)
		عقلانیت حقوقی خطامشی	(استالورثی، ۲۰۰۴)
۳	حکمرانی و ساختار قدرت در خطامشی	گفتمان قدرت در خطامشی	(الجایوسی، حسن، محامد سنیف، سور و توک، ۲۰۲۳)
		انحصار در خطامشی	(گروایس، ۲۰۱۲)
		حکمرانی چندسطحی	(استالورثی، ۲۰۰۴)
۴	مشارکت، ذی‌نفعان و هم‌آفرینی	هم‌آفرینی خطامشی	(پوگلیا، پارکر، کلاب، دمیرل و اوسیکو، ۲۰۲۴)
		ارزیابی مشارکت در خطامشی‌گذاری	(مانتل، لسل، پارسونز، پلنتی و شافر ^۳ ، ۲۰۰۶)
		شبکه‌سازی خطامشی	(گروایس، ۲۰۱۲)
۵	اخلاق، ارزش و عدالت در خطامشی‌گذاری	اخلاق خطامشی	(الجایوسی، حسن، محامد سنیف، سور و توک، ۲۰۲۳؛ مانتل و همکاران، ۲۰۰۶)
		تعارض ارزش‌ها در خطامشی	(مانتل، لسل، پارسونز، پلنتی و شافر، ۲۰۰۶)

^۱ Strauss & Corbin

^۲ Stallworthy

^۳ Mantle, Leslie, Parsons, Plenty, & Shaffer

ردیف	محور مفهومی کلان	نمونه کدهای حاصل از کدگذاری باز	منابع
۶	چالش‌های نهادی و اجرایی	شکاف در اجرا	(استالورثی، ۲۰۰۴)
		سوگیری نهادی	(مانتل، لسل، پارسونز، پلنتی و شافر، ۲۰۰۶)
		ظرفیت‌سازی خطامشی	(موردو، اشمیلینگ و کنلو، ۲۰۲۰)
		هماهنگی خطامشی	(پوگلیا، پارکر، کلاب، دمیرل و اوسیکو، ۲۰۲۴)

پس از بررسی مقالات موردنظر، جهت تحکیم نتایج بدست آمده از طریق بررسی منابع، مقالات و مطالعات معتبر، مصاحبه‌های انجام شده با خبرگان و متخصصین نیز مورد بررسی و دسته‌بندی قرار گرفتند. جدول ۳ کدگذاری باز مصاحبه‌های انجام شده را نشان می‌دهد.

جدول ۳. کدگذاری باز مصاحبه‌های انجام شده

ردیف	کدگذاری باز / مفاهیم اولیه	توضیح کوتاه
۱	درک مشترک	بوم‌نگاره به ایجاد فهم مشترک کمک می‌کند
۲	ابزار تصویری / مصورسازی	استفاده از ابزارهای بصری برای انتقال بهتر مفهوم
۳	زبان شفاف و ساده	استفاده از واژگان مشخص و قابل فهم برای همه
۴	اعتماد و انسجام معنایی	ایجاد هماهنگی و اعتماد بین کنشگران
۵	موانع هم‌زبانی	خودشیفتگی، نخوت، تفاوت زبان و اولویت‌ها
۶	کاربرد در مراحل گوناگون خطامشی‌گذاری	تدوین، اجرا، ارزیابی، بازنگری
۷	واسط میان منافع و زبان‌های گوناگون	بوم‌نگاره نقش پل میان بازیگران و منافع مختلف
۸	نیاز به بسترهای نهادی و فرهنگی	نیاز به سواد خطامشی، الزام سازمان‌ها، فرهنگ مطالبه‌گری
۹	شاخص‌های موفقیت	میزان انتقال معنا، اجرای خطامشی، پذیرش توسط خطامشی‌گذاران

پس از کدگذاری باز متون مصاحبه‌های انجام شده و مقالات استخراج شده، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی آنها انجام شده است که در قالب جدول ۴ ملاحظه می‌شود.

جدول ۴. یافته‌های پژوهش براساس تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام شده و مقالات استخراج شده

کدگذاری انتخابی (گزینشی)	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
بوم‌نگاره خطامشی به‌مثابه زبان مشترک میان علم و عمل	زبان واحد و فهم مشترک	زبان شفاف و ساده، انسجام معنایی، اعتماد میان بازیگران خطامشی، ابزار تصویری و ترسیمی، گفت‌وگو و تعامل، هم‌زبانی میان خطامشی‌گذاران و خطامشی‌پژوهان
	کارکرد بوم‌نگاره در ارتباط میان نهادها	نقش بوم‌نگاره به‌عنوان پل ارتباطی میان پژوهش و عمل، ترجمه دانش خطامشی، به اشتراک‌گذاری معنا و مفاهیم خطامشی
خطامشی داده‌محور و اخلاق‌مدار برای همگرایی	ارزش‌محوری و اخلاق حرفه‌ای	اخلاق خطامشی، عدالت و انصاف، تعارض ارزش‌ها، مسئولیت‌پذیری اجتماعی در تصمیم‌سازی
	مشروعیت و پاسخ‌گویی	شفافیت فرایند، اعتماد عمومی، توازن میان منافع مختلف، عدالت خطامشی

کدگذاری انتخابی (گزینشی)	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
ظرفیت‌سازی نهادی و فرهنگی برای اجرای بوم‌نگاره خط‌مشی و بستر آن	مشارکت ذی‌نفعان	تعامل مستمر پژوهشگران و خط‌مشی‌گذاران، نقش واسط پژوهش در عمل، همکاری میان نهادها
	شبکه‌سازی و اعتمادسازی	ایجاد اعتماد متقابل، گفت‌وگو و تبادل دانش، تشکیل شبکه‌های یادگیرنده خط‌مشی
	ظرفیت‌سازی نهادی و فرهنگی	فرهنگ مطالبه‌گری، سواد خط‌مشی، حمایت قانونی، الزام نهادی، تقویت مهارت تحلیلی و بین‌رشته‌ای
	حکمرانی داده‌محور و عقلانیت در خط‌مشی	داده‌محوری در خط‌مشی، استفاده از فناوری و تحلیل داده‌ها، عقلانیت حقوقی، تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد
	موانع ارتباطی و فرهنگی	خودمحوری، تفاوت اولویت‌های زمانی، نبود فضای تعامل، تفاوت در زبان و رویکرد، سوگیری نهادی
	محدودیت‌های ساختاری و اجرایی	شکاف میان تدوین و اجرا، تمرکز تصمیم‌گیری، ضعف شفافیت، ناهماهنگی نهادی
	تکامل ابزار و کاربست‌های نو	ترکیب بوم‌نگاره با داده‌های هوشمند، بازخوردگیری و یادگیری سازمانی، کاربرد بوم در تصمیم‌سازی عملی، تلفیق با داشبوردهای تحلیلی
	پیشنهادهای بهبود و توسعه	به‌روزرسانی مستمر ابزار، تسهیل یادگیری میان بازیگران، تقویت کاربرد بوم‌نگاره در آموزش خط‌مشی

در این پژوهش، تحلیل داده‌ها بر اساس کدگذاری سه‌مرحله‌ای (باز، محوری و انتخابی) انجام شد و در نهایت، سه کد اصلی استخراج گردید که هر سه به نحوی در تبیین نقش بوم‌نگاره خط‌مشی در کاهش شکاف میان علم و عمل و ارتقای تعامل میان خط‌مشی‌گذاران و پژوهشگران نقش دارند. در ادامه به بررسی آنها پرداخته می‌شود:

۱- بوم‌نگاره خط‌مشی به مثابه زبان مشترک میان علم و عمل

این مضمون بیانگر آن است که بوم‌نگاره می‌تواند به منزله ابزار تسهیل گفت‌وگو و درک متقابل میان نهادهای علمی و اجرایی ایفای نقش کند. در سطح کدهای باز، مفاهیمی چون زبان شفاف و ساده، اعتماد میان بازیگران، ابزار تصویری و ترسیمی و گفت‌وگو و تعامل نشان می‌دهد که بوم‌نگاره، زبان تخصصی خط‌مشی را به زبان قابل فهم برای هر دو گروه تبدیل می‌کند. در سطح محوری، زبان واحد و فهم مشترک و کارکرد ارتباطی میان نهادها تقویت‌کننده همین معناست. در نتیجه، مضمون انتخابی نشان می‌دهد که بوم‌نگاره، زبان مشترکی برای پیوند دانش و تصمیم‌سازی فراهم می‌آورد و زمینه شکل‌گیری تعامل و اعتماد را بین کنشگران علم و عمل ایجاد می‌کند.

۲- خط‌مشی داده‌محور و اخلاق‌مدار برای حکمرانی همگرا

تحلیل داده‌ها نشان داد که بوم‌نگاره علاوه بر بعد فنی، حامل عناصر ارزشی و اخلاقی نیز هست و می‌تواند چارچوبی برای تصمیم‌سازی مشترک مبتنی بر شواهد و ارزش‌ها ایجاد کند. در سطح کدهای باز، مفاهیمی مانند اخلاق خطمشی، عدالت، شفافیت و توازن منافع بیانگر حساسیت نسبت به ارزش‌ها و پاسخ‌گویی اجتماعی‌اند؛ و در سطح محوری، ارزش‌محوری و مشروعیت به‌منزله محورهای کلیدی استخراج شد. در تفسیر نهایی، معلوم شد که این رویکرد داده‌محور و اخلاق‌مدار باعث افزایش اعتماد عمومی و مشروعیت تصمیم‌ها می‌شود و از رهگذر گفت‌وگو بر پایه داده و ارزش، تعامل مبتنی بر شواهد میان پژوهش و خطمشی‌گذاری را تقویت می‌کند.

۳- ظرفیت‌سازی نهادی و فرهنگی برای اجرای بوم‌نگاره و بستر آن

این مضمون به توسعه زیرساخت‌های نهادی و فرهنگی موردنیاز برای پایداری تعامل میان علم و عمل اشاره دارد. در مرحله کدگذاری باز، مقوله‌هایی چون مشارکت ذی‌نفعان، شبکه‌سازی، اعتمادسازی، سواد خطمشی و یادگیری سازمانی شناسایی شد. در سطح محوری، این کدها در قالب ظرفیت‌سازی نهادی و فرهنگی و تقویت حکمرانی داده‌محور و عقلانی دسته‌بندی گردیدند. در نتیجه، مضمون انتخابی نشان می‌دهد که برای نهادینه‌شدن نقش بوم‌نگاره در نظام خطمشی، ایجاد فرهنگ گفت‌وگوی میان‌رشته‌ای، فرصت تعامل مستمر، حمایت قانونی و شبکه‌های یادگیرنده خطمشی ضروری است. این ظرفیت‌ها، زمینه ساختاری و فرهنگی لازم را برای تعامل پایدار میان خطمشی‌گذاران و پژوهشگران فراهم می‌سازند.

به‌طور کلی، نتایج پژوهش نشان می‌دهند که بوم‌نگاره خطمشی ابزاری است برای:

الف) ایجاد زبان مشترک و فهم متقابل میان بازیگران علم و عمل؛

ب) ارتقای گفت‌وگو بر پایه داده‌ها و ارزش‌های اخلاقی؛

ج) نهادینه‌سازی تعامل از طریق ظرفیت‌سازی نهادی و فرهنگی.

بنابراین، مضامین سه‌گانه در مجموع تبیین می‌کنند که بوم‌نگاره خطمشی چگونه می‌تواند شکاف علم و عمل را کاهش داده و تعامل نظام‌مند میان پژوهش و اجرا را تقویت کند. درواقع در این پژوهش، برخلاف پژوهش خوبرو، الوانی، رحمتی و جندقی (۱۳۹۷) تلاش شد تا بوم‌نگاره خطمشی در سطح کلان مورد بررسی قرار گیرد. چنانکه ملاحظه می‌گردد، مضامین مطرح شده نیز شکلی کلی و کلان دارند.

بحث

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهند که بوم‌نگاره خطمشی علاوه بر ایفای نقش به‌منزله یک زبان مشترک میان کنشگران عرصه علم و عمل، دارای کارکردهای آموزشی و توانمندسازانه نیز هست. ساختار بصری و نظام‌مند این ابزار می‌تواند در دوره‌های آموزش خطمشی‌گذاری عمومی، کارگاه‌های تحلیل خطمشی و کلاس‌های دانشگاهی به‌منزله یک ابزار تمرینی برای ارتقای مهارت‌های طراحی، تحلیل و بازاریابی خطمشی مورد استفاده قرار گیرد. استفاده از بوم‌نگاره خطمشی در محیط‌های آموزشی، فرصت مناسبی برای تربیت نسل جدید خطمشی‌پژوهان و تحلیل‌گران خطمشی فراهم می‌کند؛ زیرا موجب می‌شود

دانشجویان و فراگیران به صورت ساختاریافته با اجزاء، مفروضات، ذی‌نفعان، پیامدها و منطق درونی خطمشی‌ها مواجه شوند و ضمن درک ارتباط میان اجزاء، قابلیت گفت‌وگو، مدل‌سازی و مفهوم‌سازی خطمشی را در خود تقویت کنند. بنابراین، بوم‌نگاره خطمشی نه تنها ابزاری برای تسهیل تعاملات میان خطمشی‌گذاران و پژوهشگران است، بلکه می‌تواند در ظرفیت‌سازی آموزشی، توسعه مهارت‌های خطمشی‌پژوهی و آموزش عملی خطمشی‌گذاری نیز کاربرد گسترده‌ای داشته باشد. بر اساس تحلیل محتوای مقالات استخراج شده از پایگاه Scopus و مصاحبه‌های انجام شده، استفاده از ابزارهای بصری و ترسیمی، زبان شفاف و ساده، و انسجام معنایی میان کنشگران موجب ایجاد درک مشترک و اعتماد میان گروه‌های مختلف خطمشی می‌شود. این نتیجه همسو با مطالعات پیشین در زمینه هم‌آفرینی و مشارکت ذی‌نفعان (پوگلیا، پارکر، کلاب، دیمپرل و اوسیکو، ۲۰۲۴؛ مانتل، لسل، پارسونز، پلنتی و شافر، ۲۰۰۶) است و نشان می‌دهد که بوم‌نگاره می‌تواند به عنوان یک پلتفرم ارتباطی عمل کرده و شکاف میان نظریه و عمل در فرایند خطمشی‌گذاری را کاهش دهد.

یکی دیگر از یافته‌های کلیدی پژوهش، نقش بوم‌نگاره در تقویت خطمشی داده‌محور و اخلاق‌مدار برای حکمرانی همگرا است. داده‌محوری، شفافیت فرایند تصمیم‌گیری، رعایت عدالت و پاسخ‌گویی به ذی‌نفعان، از جمله مولفه‌هایی هستند که استفاده مؤثر از بوم‌نگاره در تدوین و بازنگری خطمشی را تسهیل می‌کنند. این نتایج با کدگذاری باز و محور مقالات و مصاحبه‌ها هم‌راستا بوده و نشان می‌دهد که تلفیق ابزارهای بصری با داده‌های تجربی و تحلیل‌های حقوقی، نه تنها عقلانیت خطمشی را تقویت می‌کند، بلکه امکان اتخاذ تصمیم‌های مسئولانه و مبتنی بر شواهد را نیز فراهم می‌آورد.

علاوه بر این، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ظرفیت‌سازی نهادی و فرهنگی برای اجرای بوم‌نگاره خطمشی و ایجاد بستر مناسب نقش حیاتی دارد. تقویت فرهنگ مطالبه‌گری، ارتقای سواد خطمشی، حمایت قانونی و همکاری میان نهادها، امکان شبکه‌سازی و اعتمادسازی میان پژوهشگران و خطمشی‌گذاران را فراهم می‌آورد. همچنین، توجه به موانع ساختاری و نهادی مانند خودمحوری، تفاوت اولویت‌ها، شکاف میان تدوین و اجرا و سوگیری‌های نهادی، از جمله چالش‌هایی است که باید با طراحی بوم‌نگاره‌های نوآورانه و تلفیق آن‌ها با فناوری‌های تحلیلی و داشبوردهای داده‌ای مدیریت شوند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که بوم‌نگاره می‌تواند نه تنها به عنوان یک ابزار طراحی خطمشی، بلکه به عنوان یک پلتفرم جامع برای همگرایی علمی، سازمانی و اخلاقی در نظام خطمشی‌گذاری عمل کند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف تبیین نقش بوم‌نگاره خطمشی در تقویت تعامل میان خطمشی‌گذاران و خطمشی‌پژوهان انجام شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که بوم‌نگاره خطمشی می‌تواند به منزله ابزاری مفهومی و عملی، زمینه همگرایی میان حوزه دانش و عمل در فراگرد خطمشی‌گذاری را فراهم سازد. در

این چارچوب، بوم‌نگاره خطمشی با ایجاد ساختاری منسجم برای صورت‌بندی مسئله، شفاف‌سازی مفاهیم و سازمان‌دهی عناصر تصمیم‌سازی، به شکل‌گیری فهم مشترک میان کنشگران مختلف خطمشی کمک می‌کند و امکان گفت‌وگوی مؤثر میان پژوهشگران و تصمیم‌گیران را افزایش می‌دهد.

از سوی دیگر، نتایج پژوهش نشان می‌دهند که بوم‌نگاره خطمشی می‌تواند بستری برای تقویت تصمیم‌سازی مبتنی بر داده، شواهد و ملاحظات ارزشی فراهم آورد. در چنین چارچوبی، تلفیق داده‌ها، تحلیل‌ها و ملاحظات اخلاقی در یک ساختار منسجم، به افزایش عقلانیت در فراگرد خطمشی‌گذاری و تقویت پاسخ‌گویی و مشروعیت تصمیمات کمک می‌کند. این امر می‌تواند زمینه گفت‌وگوی مبتنی بر شواهد را میان خطمشی‌پژوهان و خطمشی‌گذاران تسهیل کند. در عین حال، تحقق ظرفیت‌های بوم‌نگاره خطمشی مستلزم فراهم بودن برخی پیش‌نیازهای نهادی و فرهنگی است. توسعه فرهنگ گفت‌وگو و همکاری میان نهادهای علمی و اجرایی، تقویت سواد خطمشی در میان بازیگران مختلف، حمایت نهادی از کاربرد ابزارهای تحلیلی و ایجاد سازوکارهای یادگیری و بازخورد از جمله عواملی هستند که می‌توانند به کاربست مؤثر این ابزار در نظام خطمشی‌گذاری کمک کنند. بدون توجه به این زیرساخت‌ها، استفاده از بوم‌نگاره خطمشی ممکن است به یک ابزار صرفاً صوری تقلیل یابد و نتواند نقش واقعی خود را در تقویت تعامل میان علم و عمل ایفا کند. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که بوم‌نگاره خطمشی نه تنها ابزاری برای طراحی و تحلیل خطمشی است، بلکه می‌تواند به منزله بستری برای تسهیل گفت‌وگو، هم‌آفرینی و یادگیری مشترک میان کنشگران خطمشی عمل کند و از این طریق به کاهش شکاف میان پژوهش و اجرا در نظام حکمرانی کمک نماید.

با توجه به نتایج و محدودیت‌های پژوهش، مسیرهای زیر برای پژوهش‌های آینده پیشنهاد می‌شود:
الف) تجربی استفاده واقعی از بوم‌نگاره خطمشی در فراگرد تدوین یا بازطراحی خطمشی‌ها در دستگاه‌های اجرایی به صورت مطالعه موردی؛

ب) توسعه و آزمون نسخه‌های تخصصی بوم‌نگاره برای حوزه‌های خاص مانند سلامت، محیط‌زیست، خانواده، آموزش عالی یا حکمرانی دیجیتال؛

ج) انجام پژوهش‌های کمی یا ترکیبی برای بررسی اثر بوم‌نگاره بر کیفیت تصمیم‌سازی، سرعت یادگیری سازمانی یا میزان هم‌گرایی میان بازیگران؛

د) مطالعه تطبیقی میان کشورها یا نهادهای متفاوت جهت بررسی اینکه چگونه عوامل نهادی و فرهنگی در میزان پذیرش و کارآمدی بوم‌نگاره نقش ایفا می‌کنند؛

هـ) کارکردهای آموزشی بوم‌نگاره خطمشی در دوره‌های دانشگاهی و حرفه‌ای برای تقویت مهارت تحلیل خطمشی در دانشجویان و مدیران.

¹ Case Study

² Mixed-Methods

بر اساس یافته‌های این پژوهش، موارد زیر به‌منزله توصیه‌های عملیاتی برای نهادهای خطمشی‌گذار و دستگاه‌های اجرایی پیشنهاد می‌شود:

(الف) از بوم‌نگاره خطمشی در مراحل اولیه تدوین خطمشی به‌منزله ابزار ایجاد فهم مشترک میان تیم‌های تخصصی، مدیران و ذی‌نفعان؛

(ب) گنجاندن بوم‌نگاره در کارگاه‌های آموزش خطمشی‌گذاری جهت افزایش شفافیت، انسجام مفهومی و قابلیت گفت‌وگو در فراگرد طراحی خطمشی؛

(ج) استفاده در جلسات بین‌دستگاهی به‌منزله ابزار ساختاری برای کاهش سوءبرداشت‌ها و ایجاد ساختار مشترک برای طراحی خطمشی‌های بین‌بخشی؛

(د) به‌کارگیری بوم‌نگاره به‌منزله ابزاری برای ارزیابی خطمشی‌های موجود از طریق بررسی تناسب اجزاء، شکاف‌ها و نقاط نیازمند بازطراحی؛

(هـ) طراحی نسخه سازمانی بوم‌نگاره که متناسب با نیازها، ساختار و نوع تصمیمات هر وزارتخانه یا نهاد تنظیم شود؛

(و) ایجاد شبکه یادگیری خطمشی در دستگاه‌های اجرایی که در آن کارشناسان و مدیران با استفاده از بوم‌نگاره تجربه‌ها را مستندسازی، مقایسه و تبادل نمایند.

منابع فارسی:

- ۱- خوبرو، محمدتقی؛ الوانی، سید مهدی؛ رحمتی، محمدحسین و جندقی، غلامرضا. (۱۳۹۷). یکپارچگی صنایع دفاعی و غیردفاعی: یک بوم‌نگاری خطامشی در صنعت دفاعی. بهبود مدیریت. شماره ۴ (پیاپی ۴۲). ۹۶-۴۹.
- ۲- سوداگر، هاشم؛ امیری، علی‌نقی و امامی، سیدمجتبی. (۱۳۹۷). واکاوی و تحلیل مفهوم خطامشی عمومی: ماهیت، صفات و غایت. مدیریت دولتی. ۱۰(۴)، ۵۰۶-۵۲۸.
- ۳- نوری، فرامرز و سید صمد حسینی. (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی اجرای خطامشی‌های زیست‌بوم نوآوری و فناوری در راستای توسعه سرمایه‌گذاری‌های استانی. حکمرانی متعالی. سال چهارم، شماره ۴ (پیاپی ۱۶). ۸۱-۱۰۳.

References

1. Al-Jayyousi, O., Hasan, W. N. W., Mohamed Saniff, S., Sever, S. D., & Tok, E. 2023. A critical discourse analysis on climate change in a globalized world: The nexus of Islam and sustainable development. *Sustainability*, 15(19), 14515.
2. Dye, Thomas. 2011. *Understanding public policy*. 13th edition, Pearson
3. Fatima, S., Desouza, K. C., Buck, C., & Fielt, E. 2022. Public AI canvas for AI-enabled public value: A design science approach. *Government Information Quarterly*, 39(4), 101722.
4. Gervais, D. (2012). Country clubs, empiricism, blogs and innovation: The future of international intellectual property norm making in the wake of ACTA. In *Trade governance in the digital age: World Trade Forum* (pp. 323-343). Cambridge: Cambridge University Press.
5. Howlett, M., Ramesh, M., & Perl, A. (1995). *Studying public policy*. Policy cycles and policy.
6. Howlett, M., Ramesh, M., & Perl, A. (2026). *Studying Public Policy: Connecting Theory to Practice*. Cambridge University Press.
7. Mantle, G., Leslie, J., Parsons, S., Plenty, J., & Shaffer, R. (2006). Establishing children's wishes and feelings for family court reports: the significance attached to the age of the child. *Childhood*, 13(4), 499-518.
8. Mureddu, F., Schmeling, J., & Kanellou, E. 2020. Research challenges for the use of big data in policy-making. *Transforming government: People, process and policy*, 14(4), 593-604.
9. Osman, F.A., 2002. Public policy making: theories and their implications in developing countries. *Asian affairs*, 24(3), pp. 37-52.
10. Puglia, M., Parker, L., Clube, R. K., Demirel, P., & Aurisicchio, M. 2024. The circular policy canvas: Mapping the European Union's policies for a sustainable fashion textiles industry. *Resources, Conservation and Recycling*, 204, 107459.

11. Rauth, I., Köppen, E., Jobst, B., & Meinel, C. 2010. Design thinking: An educational model towards creative confidence. In DS 66-2: *Proceedings of the 1st international conference on design creativity* (ICDC 2010).
12. Saunders, M., Lewis, P. & Thornhill, A. 2019, *Research Methods for Business Students*. (8 ed.) Pearson
13. Schmeling, J., Marx, A., Glikman, Y., Gamazo, E., G. & Markaki, O. I. 2019. *Big Policy Canvas: Needs and Trends in Public Administrations*.
14. Stallworthy, M. (2004). Once more unto the breach: English law rationales and environmental assessment. *Journal of Planning and Environment Law*, 1472-1490.
15. Strauss, A., & Corbin, J. (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. Sage.
16. Tranquillo, J., Kline, W. A., & Hixson, C. 2018, June. Student-created canvases as a way to inform decision-making in a capstone design sequence. In *2018 ASEE Annual Conference & Exposition*.